

ریموند پلنت

هگل

ترجمہی
اکبر معصوم بیگی



فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۳	اهمیت هگل
۱۷	زندگی و سیر پیشرفت
۲۳	هراس های چندپارگی
۳۳	به سوی فلسفه
۴۵	دین
۴۵	مفهوم خدا
۵۰	آفرینش
۵۳	تجسد
۵۹	هبوط
۶۴	دین و فلسفه
۶۹	فرجام سخن
۷۷	یادداشت ها

اهمیت هگل

هگل در تاریخ فلسفه‌ی غرب چهره‌ای مهم و اساسی است و کارش دامنه‌ای بسیار گسترده دارد. کار هگل در زمینه‌های گوناگون تأثیرگذار و نافذ بوده و هنوز نیز هست: در عرصه‌ی اصلی خود فلسفه؛ در نظریه‌ی سیاسی و اجتماعی؛ در زیبایی‌شناسی؛ در فلسفه‌ی تاریخ؛ و در یزدان‌شناسی و فلسفه‌ی دین، که مضمون اصلی کتاب حاضر است. فیلسوفانی که در این زمینه‌ها کار می‌کنند، حتی امروزه، اغلب به ارزیابی همه‌سویه‌ی اندیشه‌ی هگل مشغول می‌شوند و اندیشه‌ی خود را در پیوند با اندیشه‌ی او مرتب می‌کنند. فیلسوفان بزرگ این قرن، که از سنت‌های بسیار متنوع فلسفی برخاسته‌اند، چندان قابل درک نیستند مگر آن که رابطه‌شان با هگل درک شود. این سخن درباره‌ی سارتر، هایدگر، مرلوپونتی، کوزو (که فرانسیس فوکویاما در نوشته‌ی خود، پایان تاریخ، کار او را به صورت دیگری بازسازی کرد)، دریدا، لاکان، رورتی، رویس^۱، آلتوسر، چارلز تیلور، آدورنو، مارکوزه، فروم و بسیاری دیگر صدق می‌کند. در

سربپرستی چارلز گور^۱ لوکس موندی^۲ (مجموعه‌ای از دوازده جستار دینی در اواخر دهه‌ی ۱۸۸۰) را نوشتند که یکی از مهم‌ترین آثار یزدان‌شناسی اواخر سده‌ی نوزدهم به‌شمار می‌آید. گور، که اسقف کلیسای انگلیکان بود، همان‌گونه که از کتاب‌اش، تن مسیح، برمی‌آید هم به‌طور کلی و هم در فهم‌اش از آیین عشای ربانی تحت تأثیر هگل بود. در این قرن، کار هگل منبع تأثیر اساسی بر یزدان‌شناسان نخله‌ی «مرگ خدا»^۳ ی کسانی چون همیلتون^۴ و آلتیزر^۵، بوده است و در یزدان‌شناسی پست‌مدرن مارک تیلور و در کار جی. مولتمان^۶ و دوروتی زوله^۷، یزدان‌شناسان مهم آلمانی، نیز به‌هم‌چنین. به همین‌سان، هگل در دو تن از بزرگ‌ترین یزدان‌شناسان این قرن تأثیر بسیار داشته است: ولفهارت پانن‌برگ^۸ که کتاب‌اش مسیح: خدا و انسان با اندیشه‌ی هگل در باب مسیح‌شناسی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند، و هانس کونگ^۹، یزدان‌شناس توپینگن که تجسد خدا را نوشت که وقف واری یزدان‌شناسی هگل می‌شود. بدین‌سان، در تأثیر سترگ کار هگل در گستره‌ی فراخی از زمینه‌ها، از جمله یزدان‌شناسی و اندیشه‌ی دینی، تردیدی نمی‌توان داشت. در واقع، یکی از واقعیت‌های دلهره‌آور در باب هگل این است که او کار خود را کلی نظام‌مند می‌شمرد و ممکن نیست بتوان معنی و تأثیر اندیشه‌ی دینی او را از همه‌ی دیگر حیطه‌های کار او در فلسفه، نظریه‌ی سیاسی،

سده‌ی نوزدهم، اف. سی. باوئر^۱، فویرباخ، اشتراوس، مارکس، کیرکه‌گور، نیچه، تی. ایچ. گرین^۲، همه در پرتو هگل کار کردند. با این همه، در این کتاب ما عمدتاً با یاری فکری هگل به اندیشه‌ی دینی سروکار خواهیم داشت و این‌جا باز هم تأثیر او ژرف است. کارل لویوت، در کتاب *از هگل تا نیچه: انقلاب در اندیشه‌ی سده‌ی نوزدهم*، هگل را فیلسوف جهان‌بورژوازی مسیحی وصف می‌کند و گرچه، آن‌گونه که کارل بارت در کتاب *اندیشه‌ی دینی سده‌ی نوزدهم می‌گوید*، هگل به هیئت آکویناس مذهب پروتستان در نمی‌آید، با این همه، اندیشه‌ی او تأثیر ژرفی در کسانی دارد که از او پیروی می‌کنند. پیروان بلافصل او، برای نمونه اشتراوس در کتاب *زندگی مسیح و فویرباخ در ذات مسیحیت مضمون‌های هگلی را بر گرفتند و بدان جنبه‌ی بنیادستیز بخشیدند*. مارکس سخت وام‌دار هگل است، هرچند به منتقد سخت‌گیر او بدل شد. در کار کیرکه‌گور، به‌ویژه در *یا این/یا آن*، تأثیر واکنش‌تندی را در برابر فلسفه‌ی دین هگل شاهدیم؛ و در نیچه نیز، به‌ویژه در *تأملات‌اش در باب «مرگ خدا»*، همین سخن راست می‌آید. مارکس، کیرکه‌گور و نیچه به شیوه‌های بسیار متفاوت تصور یگانگی میان خدا و انسان را، که در کانون اندیشه‌ی هگل جای دارد، در هم کوبیدند. در بریتانیا، اندیشه‌ی دینی هگل در کار ایدنالیست‌های بریتانیایی چون تی. ایچ. گرین، سِر هنری جونز، برنارد بوزانکت^۳ و جان و ادوارد کیرد^۴ سخت برجستگی یافت؛ و ایشان نیز به نوبه‌ی خود در کسانی تأثیر گذاشتند که با

1. Charles Gor

2. *Lux Mundi*

3. Hamilton

4. Altizer

5. J. Moltmann

6. Dorothee Sölle

7. Wolfhart Pannenberg

8. Hans Küng

1. F.C. Baur

2. Thomas Hill Green: (۱۸۲۶-۱۸۸۲)، فیلسوف ایدنالیست انگلیسی.

3. Bernard Bosanquet

4. Edward Caird